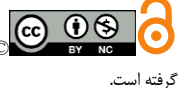




شبهه استناددهی: صالحی، مهدی، بورقانی فراهانی، حمید. و مولایی، نرگس. (۱۴۰۳). بررسی نقش تعدیلگر عوامل زمینه‌ای عدم رشد و توسعه در تأثیر شرایط تعاملی/هویتی و شکاف نسلی بر پیامدهای فروپاشی کسب‌وکار با تأکید بر بسترهای عدم توسعه اقتصادی. آموزش، تربیت و توسعه پایدار، ۲(۴)، ۱۷-۱.



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

بررسی نقش تعدیلگر عوامل زمینه‌ای عدم رشد و توسعه در تأثیر شرایط تعاملی/هویتی و شکاف نسلی بر پیامدهای فروپاشی کسب‌وکار با تأکید بر بسترهای عدم توسعه اقتصادی

مهدی صالحی^۱، حمید بورقانی فراهانی^۲، نرگس مولایی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: h_boorghani@iau.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش تعدیلگر عوامل زمینه‌ای عدم رشد و توسعه در ارتباط بین شرایط تعاملی/هویتی و شکاف نسلی با پیامدهای فروپاشی کسب‌وکار در شرکت‌های کوچک و متوسط است. این مطالعه از نوع کاربردی و توصیفی-پیمایشی است که در قالب رویکرد قیاسی و مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی اجرا شده است. داده‌ها با پرسشنامه محقق‌ساخته از ۱۴۴ نفر از مدیران و کارشناسان شرکت‌های کوچک و متوسط شهر اراک جمع‌آوری شد. روایی محتوایی پرسشنامه با شاخص لاوشه و پایایی با آلفای کرونباخ تأیید گردید. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که شرایط تعاملی/هویتی و شکاف نسلی به طور معنادار بر ضعف سرمایه فرهنگی و فقدان روحیه رقابت‌پذیری اثرگذارند. همچنین ضعف سرمایه فرهنگی و فقدان روحیه رقابت‌پذیری بر راهبردهای عدم رشد و توسعه تأثیر مثبت داشتند و این راهبردها به نوبه خود پیامدهای توسعه‌نیافتگی و فروپاشی کسب‌وکار را تقویت کردند. از ۱۵ فرضیه، ۱۲ فرضیه تأیید شد و اثر تعدیل‌گری عوامل زمینه‌ای تنها در برخی روابط معنادار نبود. یافته‌ها بیانگر آن است که عوامل زمینه‌ای عدم رشد و توسعه، تأثیر شرایط تعاملی/هویتی و شکاف نسلی بر پیامدهای فروپاشی کسب‌وکار را تشدید می‌کنند. در نتیجه، توجه به بهبود سرمایه فرهنگی، ارتقای روحیه رقابت‌پذیری و کاهش شکاف‌های نسلی در شرکت‌های کوچک و متوسط می‌تواند از پیامدهای منفی توسعه‌نیافتگی و فروپاشی کسب‌وکار جلوگیری کند.

کلیدواژه‌گان: عدم رشد و توسعه، شرایط تعاملی/هویتی، شکاف نسلی، فروپاشی کسب‌وکار، توسعه اقتصادی

تاریخ ارسال: ۱۷ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۰ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۷ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۵ اسفند ۱۴۰۳



How to cite: Salehi, M., Boorghani Farahani, H., & Moulaei, N. (2024). Investigating The Moderating Role of Underlying Factors of Lack of Growth and Development in The Impact of Interactional/Identity Conditions and Generation Gap on The Consequences of Business Collapse with Emphasis on The Contexts of Lack of Economic Development. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(4), 1-17.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Investigating The Moderating Role of Underlying Factors of Lack of Growth and Development in The Impact of Interactional/Identity Conditions and Generation Gap on The Consequences of Business Collapse with Emphasis on The Contexts of Lack of Economic Development

Mahdi Salehi¹, Hamid Boorghani Farahani^{2*}, Narges Moulaei²

1. PhD student, Department of Sociology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

*Corresponding Author's Email: h_boorghani@iau.ac.ir

Abstract

The objective of this study is to examine the moderating role of underlying factors of lack of growth and development in the relationship between interactional/identity conditions, generational gap, and the consequences of business collapse in small and medium-sized enterprises (SMEs). This applied and descriptive–survey research was conducted based on a deductive approach within the positivist paradigm. Data were collected through a researcher-made questionnaire administered to 144 managers and experts of SMEs in Arak with more than 42 months of activity. Content validity was assessed using the Lawshe index and reliability with Cronbach's alpha. Structural equation modeling was performed using Smart PLS software to analyze the hypotheses. The results demonstrated that interactional/identity conditions and generational gap significantly influenced cultural capital weakness and lack of competitiveness. Furthermore, these two deficiencies had positive effects on strategies of lack of growth and development, which in turn increased the persistence of underdevelopment and the likelihood of business collapse. Out of 15 tested hypotheses, 12 were supported, while the moderating role of contextual factors was not significant in some pathways. The findings highlight that contextual factors of lack of growth and development amplify the impact of interactional/identity conditions and generational gap on business collapse outcomes. Thus, strengthening cultural capital, fostering competitiveness, and reducing generational conflicts in SMEs are essential to mitigate the adverse consequences of underdevelopment and prevent business collapse.

Keywords: *Lack of growth and development, interactional/identity conditions, generational gap, business collapse, economic development*

Submit Date: 07 November 2024

Revise Date: 29 January 2025

Accept Date: 05 February 2025

Publish Date: 15 March 2025

یکی از چالش‌های بنیادین اقتصاد معاصر، درک پیچیدگی‌ها و پویایی‌هایی است که در رشد، توسعه و پایداری کسب‌وکارها نقش‌آفرین هستند. مطالعات جامعه‌شناختی و مدیریتی نشان داده‌اند که پدیده‌هایی همچون شکاف نسلی، شرایط تعاملی و هویتی، و نیز کمبود سرمایه فرهنگی و اجتماعی می‌توانند بر پایداری و یا فروپاشی بنگاه‌های اقتصادی تأثیرگذار باشند (Nazari Sheikh Ahmad et al., 2021). در این میان، شرکت‌های کوچک و متوسط که به عنوان موتور محرکه اشتغال‌زایی و نوآوری شناخته می‌شوند، بیش از سایر بخش‌ها در معرض فشارهای ناشی از توسعه‌نیافتگی اقتصادی و چالش‌های ساختاری قرار دارند (Moghadam & Keykha, 2015). اهمیت این بنگاه‌ها به ویژه در کشورهای همچون ایران، که با محدودیت‌های ساختاری و نهادی روبه‌رو هستند، دوچندان می‌شود.

ادبیات پژوهشی اخیر، تمرکز ویژه‌ای بر نقش صنایع کوچک و متوسط در فرآیند توسعه اقتصادی داشته است. بر اساس دیدگاه‌های نظری، این صنایع علاوه بر اشتغال‌زایی، به توزیع عادلانه منابع و ارتقای عدالت اجتماعی کمک می‌کنند (Maksimov et al., 2017). با این حال، ناکارآمدی ساختارهای مدیریتی و اجتماعی در این بخش، به ویژه در قالب بنگاه‌های خانوادگی، چالش‌های بسیاری را ایجاد کرده است. پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که کسب‌وکارهای خانوادگی در ایران با مشکلاتی چون ملاحظات فرهنگی/هویتی، درجه‌بندی فامیلی و شکاف نسلی مواجه‌اند که بر عملکرد آن‌ها تأثیر مستقیم دارد (Bani Fatemeh et al., 2017).

از سوی دیگر، تحولات اقتصادی و اجتماعی جهانی نشان می‌دهد که فرهنگ کارآفرینی و نظام‌های حمایتی مناسب، نقشی تعیین‌کننده در موفقیت یا شکست کسب‌وکارها دارند. به عنوان مثال، مطالعات در حوزه جامعه‌شناسی کارآفرینی بیانگر آن است که سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی به مثابه منابع کلیدی برای رشد و تداوم کسب‌وکارها عمل می‌کنند (Zellweger et al., 2019). در این راستا، پژوهش‌های جدیدی در مورد ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و عملکرد بنگاه‌های خانوادگی صورت گرفته است که نشان می‌دهد انسجام روابط درونی و نیز پیوندهای بیرونی با نهادهای اجتماعی و اقتصادی می‌تواند مزیت رقابتی ایجاد کند (Kushins & Behounek, 2020). با این وجود، کارآفرینی تنها به متغیرهای اقتصادی وابسته نیست و عوامل اجتماعی و فرهنگی نقشی مهم ایفا می‌کنند. پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان داده‌اند که مولفه‌های فرهنگی و سرمایه اجتماعی، تأثیر مستقیمی بر بهره‌وری و عملکرد اقتصادی دارند (Nazari Sheikh Ahmad et al., 2021 #273847, Tamizifar, 2020). به عنوان نمونه، بررسی‌های تطبیقی نشان داده است که در کشورهایی با سرمایه اجتماعی بالاتر و اعتماد نهادی بیشتر، نرخ موفقیت کارآفرینان و بنگاه‌های کوچک به مراتب بیشتر از کشورهایی با ضعف در این حوزه‌هاست (Moghadam Asil & Rahimi, 2018).

از منظر بین‌المللی، پژوهش‌های متعددی به تحلیل ابعاد شکست و موفقیت کارآفرینی پرداخته‌اند. برای نمونه، مطالعه‌ای در سریلانکا نشان داد که شکست استارت‌آپ‌ها اغلب ناشی از عوامل تعاملی و نهادی است که با ضعف در شبکه‌های حمایتی و محدودیت منابع انسانی ترکیب می‌شود (Wimal & Ajendra, 2023). به همین ترتیب، در بررسی دیگری نقش حمایت اجتماعی در تعدیل اثرات شکست کارآفرینانه برجسته شده است (Al-Alawi et al., 2023). این یافته‌ها بر اهمیت ابعاد اجتماعی و فرهنگی درک شکست یا موفقیت کسب‌وکارها تأکید دارند. تحولات اخیر در حوزه اقتصاد دیجیتال نیز بیانگر تغییرات بنیادی در اکوسیستم‌های کارآفرینی است. به عنوان مثال، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اکوسیستم‌های دیجیتال توانسته‌اند فرصت‌های تازه‌ای برای مشارکت زنان در فعالیتهای کارآفرینانه فراهم کنند و موانع سنتی جنسیتی را تا حدودی کاهش دهند (Huang et al., 2025). این تحول، اهمیت نهادهای اجتماعی و فناوری را در ایجاد مسیرهای جدید برای رشد اقتصادی آشکار می‌سازد.

همچنین، درک تفاوت‌های فرهنگی در فلسفه مدیریت نیز یکی از موضوعات کلیدی پژوهش‌های تطبیقی است. بررسی‌های صورت گرفته در چین نشان داده است که رویکردهای سنتی کنفوسیوسی به مدیریت، در دوران گذار اقتصادی این کشور توانسته‌اند به تداوم و پایداری

کسب‌وکارهای خانوادگی کمک کنند (Kawaguchi, 2019). چنین نمونه‌هایی نشان می‌دهد که رویکردهای فرهنگی و فلسفی می‌توانند حتی در شرایط دشوار اقتصادی، نقش حمایت‌گرانه داشته باشند.

از سوی دیگر، روندهای جهانی در زمینه کارآفرینی اجتماعی نیز اهمیت یافته است. برای نمونه، در اوکراین تأکید شده که جهت‌گیری‌های استراتژیک کارآفرینی اجتماعی می‌تواند به توسعه پایدار و حل مسائل اجتماعی کمک کند (Braunagel, 2025). این موضوع برای کشورهای در حال توسعه که با چالش‌های چندوجهی اقتصادی و اجتماعی مواجه‌اند، اهمیت مضاعفی دارد.

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی به تحلیل ابعاد توسعه‌نیافتگی پرداخته‌اند. برخی مطالعات بیانگر آن است که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی ریشه‌های عمیقی در ساختارهای نهادی دارند و این امر مانع تحقق برنامه‌های توسعه می‌شود (Rafiei, 2017; Tamizifar et al., 2020).

#273845). همچنین، در بررسی دیگری مشخص شد که برنامه‌های توسعه‌ای کشور، به دلیل ضعف در هم‌سویی با نیازهای واقعی جامعه، در تحقق اهداف خود ناکام بوده‌اند (Joghtaei & et al., 2016).

ابعاد انسانی و شناختی کارآفرینی نیز در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش کارآفرینی، زمانی بیشترین اثر را دارد که با تقویت هوش اجتماعی و هیجانی همراه باشد (Adeosun & Aruleba, 2025). این امر به ویژه در فضای کسب‌وکارهای نوپا اهمیت دارد؛ چراکه توانایی کارآفرینان در ایجاد تعامل مؤثر با شبکه‌های اجتماعی و سازمانی، نقش کلیدی در موفقیت آن‌ها ایفا می‌کند.

از دیدگاه نظری، تمرکز بر الگوهای شبکه‌ای و دیدگاه مبتنی بر منابع نیز به درک پویایی‌های کسب‌وکارهای خانوادگی کمک کرده است. برای مثال، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که منابع نامشهود همچون اعتماد، ارزش‌ها و روابط اجتماعی می‌توانند به ایجاد مزیت رقابتی منجر شوند (Zellweger, 2019 #273862; Neubaum, 2018). همچنین، تحلیل‌های جامعه‌شناختی از الگوهای بین‌نسلی نشان داده‌اند که انتقال سرمایه‌های اجتماعی و عاطفی میان نسل‌ها می‌تواند بر دوام یا افول کسب‌وکارهای خانوادگی اثرگذار باشد (Kushins & Behounek, 2020).

ابعاد عملی این مباحث نیز اهمیت بسیاری دارند. به عنوان نمونه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که plateauing یا رکود در مسیر شغلی کارکنان دانشی می‌تواند منجر به کاهش تعهد و افزایش ترک شغل شود، و این مسئله نیازمند توجه کارآفرینان به پویایی‌های منابع انسانی است (Oriarewo et al., 2023). همچنین، موفقیت مالی کارآفرینان تا حد زیادی به توانایی آن‌ها در جذب منابع مالی و پیش‌بینی صحیح روندهای بازار وابسته است (Yimfor & Garfinkel, 2023).

از منظر بومی، مطالعات داخلی بر چالش‌های اساسی بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط تأکید داشته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که این بنگاه‌ها نه تنها تحت تأثیر ضعف سرمایه فرهنگی و شکاف نسلی قرار دارند، بلکه موانعی همچون کمبود سرمایه‌گذاری، مدیریت ناکارآمد و نبود راهبردهای توسعه‌ای مؤثر نیز بر عملکرد آن‌ها سایه افکنده است (Moradpour, 2024 #46668; Darini et al., 2015). چنین عواملی موجب می‌شوند که بنگاه‌های اقتصادی در معرض فروپاشی قرار گیرند و پیامدهای آن به سطح کلان اقتصاد نیز منتقل شود.

در این راستا، ترکیب دیدگاه‌های جامعه‌شناسی اقتصادی و مطالعات توسعه می‌تواند در ارائه چارچوبی تحلیلی برای درک بهتر این پدیده‌ها نقش‌آفرین باشد. اقتصاد جامعه‌محور، با تمرکز بر پیوندهای اجتماعی و نهادهای محلی، نشان می‌دهد که رشد اقتصادی بدون توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی پایدار نخواهد بود (Gustavo, 2022).

به طور کلی، مرور پیشینه پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که پایداری و یا فروپاشی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نسلی است. این مطالعه بر همین اساس شکل گرفته است تا نقش تعدیلگر عوامل زمینه‌ای عدم رشد و توسعه را در تأثیر شرایط تعاملی/هویت‌ی و شکاف نسلی بر پیامدهای فروپاشی کسب‌وکار بررسی نماید. هدف نهایی پژوهش حاضر، شناسایی مسیرهایی است که می‌تواند به کاهش ریسک فروپاشی بنگاه‌های اقتصادی و تقویت بنیان‌های توسعه پایدار منجر شود.

با توجه به آنکه این پژوهش قابل استفاده برای شرکت‌های کوچک و متوسط است؛ لذا پژوهش از حیث هدف کاربردی است و از حیث روش توصیفی پیمایشی است. همچنین در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای استخراج پیشینه پژوهش و از روش میدانی با ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. پس از استخراج متغیرها، شاخص‌های مناسب با هر متغیر پس از بررسی مقالات و مروری بر ادبیات پژوهش‌های پیشین و مطالعات کتابخانه‌ای شناسایی شد و شاخص‌های با بیشترین فراوانی به عنوان شاخص‌های اولیه انتخاب شد که ۱۵ قضایه برای شناسایی مدل جامعه‌شناختی تنگناها و چالش‌های موثر بر توسعه اقتصادی شرکت‌های کوچک و متوسط مشخص شد و با توجه به منابع آن‌ها و نیز نظر خبرگان در عوامل استخراج شده دسته‌بندی شد و بر اساس آن‌ها مدل مفهومی پژوهش مطابق شکل شماره ۱ حاصل گردید. سپس این شاخص‌ها در قالب پرسشنامه تدوین و در اختیار مدیران و کارشناسان شرکت‌های کوچک و متوسط فعال در شهر اراک قرار گرفت. این پرسشنامه‌ها از نظر روایی مورد تأیید خبرگان صنعت و اساتید دانشگاهی قرار گرفت سپس نسخه‌هایی بین خبرگان توزیع گردید تا همبستگی سؤالات نیز سنجیده شود. پس از تأیید همبستگی سؤالات با گرفتن آلفای کرونباخ توسط نرم‌افزار SPSS تمامی ضرایب $0/7$ و بالاتر قرار داشت که نشان دهنده همبستگی مناسب میان سؤالات است برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول کوکران استفاده شد. با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه آماری 144 نفر به دست آمد که پس از تهیه پرسشنامه تعداد 10 پرسشنامه بیشتر توزیع شد که برای جبران ریزش افرادی بود که به پرسش‌ها درست پاسخ نمی‌دهند. تعداد 154 پرسشنامه بین کارشناسان و مدیران شرکت‌های مورد نظر توزیع گردید که تحصیلات لیسانس و بالاتر داشتند و از این تعداد 144 پرسشنامه عودت داده شد و بر اساس این پرسشنامه‌ها پژوهش پس از تمیز کردن داده‌ها و وارد کردن آن‌ها به نرم‌افزار Smart Pls مورد تحلیل قرار گرفت و خروجی‌هایی به دست آمد و طبق ضرایب مسیر به دست آمده از گزارش نرم‌افزار میزان تأثیر هر یک از عوامل مشخص شده است.

یافته‌ها

از ویژگی جمعیت شناختی مناسبی برای پاسخگویی به پرسش‌ها برخوردار بوده‌اند. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده و نیز آزمون مدل مفهومی پژوهش به کمک رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس انجام پذیرفته است. به‌طور کلی معیار اصلی ارزیابی متغیرهای مکنون درون‌زا در مدل مسیر، ضریب تعیین می‌باشد. این شاخص نشان می‌دهد که چند درصد از تغییرات متغیر درون‌زا توسط متغیرهای برون‌زا صورت می‌پذیرد. مقادیر $0/16$ ، $0/25$ و $0/47$ برای متغیرهای مکنون درون‌زا (وابسته) در مدل مسیر ساختاری (درونی) به ترتیب ضعیف، متوسط و قابل توجه توصیف شده است ولی چنانچه متغیر درون‌زا تحت تأثیر تعداد معدودی (یک یا دو) متغیر برون‌زا قرار داشته باشد، مقادیر متوسط ضریب تعیین نیز قابل پذیرش است. هاینر و همکاران (۲۰۱۱) مقادیر $0/25$ ، $0/5$ و $0/75$ را برای متغیرهای درون‌زا در مدل مسیر ساختاری به ترتیب ضعیف، متوسط و قابل توجه توصیف کرده‌اند. توجه داشته باشید، تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر و همچنین روابط برقرار شده یا وارد شده به یک متغیر مکنون درون‌زا بر میزان ضریب تعیین آن متغیر تأثیرگذار است. در این راستا ضرایب تعیین مربوط به متغیرهای درون‌زا پژوهش در جدول (۱) ارائه گردیده است.

جدول ۱. مقادیر ضرایب تعیین متغیرهای درون‌زا

ردیف	متغیر درون‌زا	ضریب تعیین
۱	ضعف سرمایه فرهنگی	۰/۱۲۵
۲	فقدان روحیه رقابت پذیری	۰/۲۲۹
۳	راهبردهای عدم رشد و توسعه	۰/۲۱۹
۴	پیامدهای تداوم توسعه نیافتگی	۰/۰۲۴
۵	پیامدهای فروپاشی کسب و کار	۰/۲۵۱

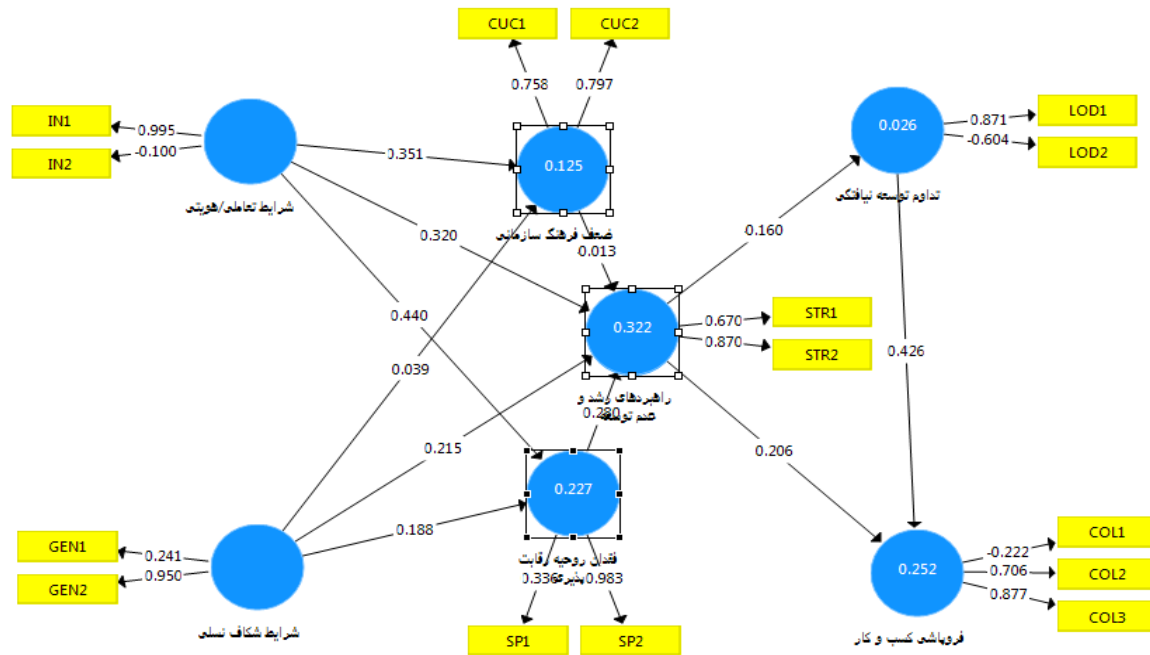
نتایج جدول (۱) مشخص می‌نماید که ضریب تعیین مربوط به متغیرهای درون‌زا مدل پژوهش در حد قابل قبولی می‌باشد که با توجه به تعداد کم متغیرهای برون‌زا وارد شده به متغیرهای درون‌زا، این ضریب تعیین قابل قبول می‌باشد. در ضمن بطور خاص می‌توان بیان کرد که نزدیک بر ۲۵ درصد تغییرات متغیر درون‌زا (پیامدهای فروپاشی کسب و کار) توسط متغیرهای برون‌زا ارائه شده در مدل مفهومی پژوهش تبیین می‌گردد که این مقدار قابل توجه می‌باشد. همچنین نزدیک بر ۲۲ درصد تغییرات متغیر درون‌زا (فقدان روحیه رقابت پذیری) و نزدیک به ۲۱ درصد تغییرات متغیر درون‌زا (راهبردهای عدم رشد و توسعه) توسط متغیرهای برون‌زا ارائه شده در مدل مفهومی پژوهش تبیین می‌گردد که این مقدار نیز قابل قبول می‌باشد.

در ادامه مقادیر محاسبه شده برای شاخص افزونگی متغیرهای مکنون درون‌زا ارائه گردیده است که با توجه به مثبت بودن آن، در نتیجه می‌توان بیان کرد که مدل ساختاری از کیفیت لازم برای پیش‌بین متغیرهای درون‌زای پژوهش برخوردار می‌باشد.

جدول ۲. شاخص افزونگی متغیرهای درون‌زا مدل ساختاری

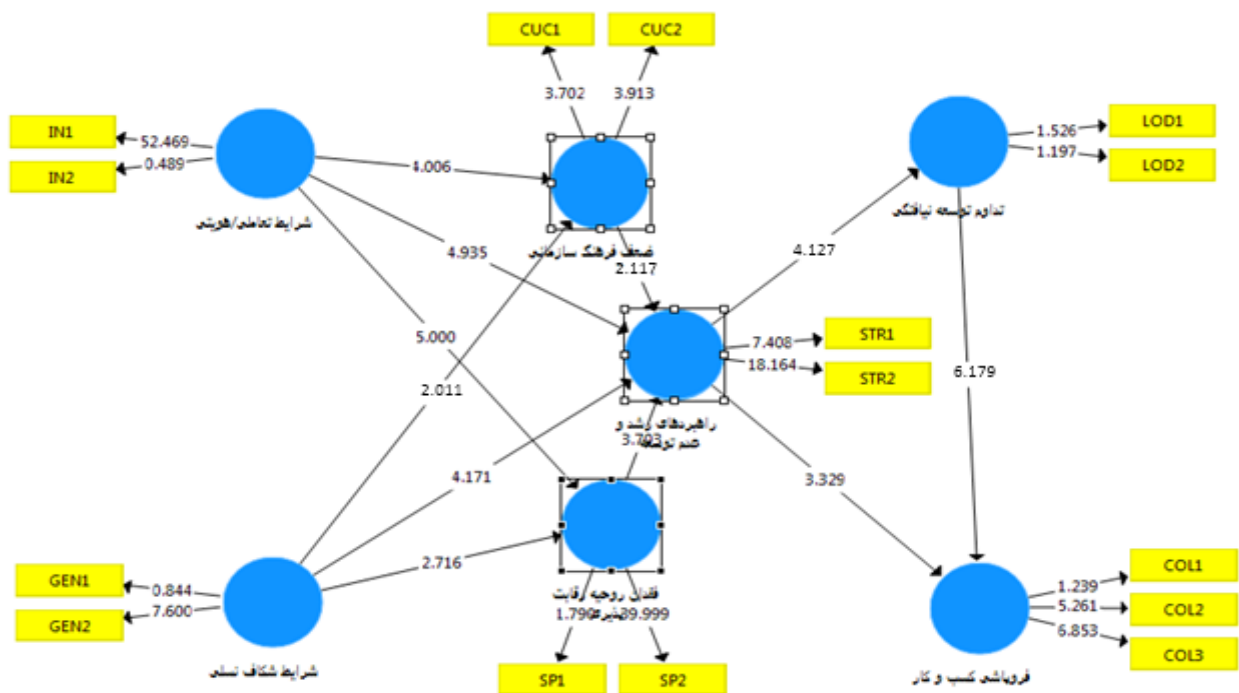
ردیف	متغیر درون‌زا	شاخص افزونگی
۱	ضعف سرمایه فرهنگی	۰/۱۴۳
۲	فقدان روحیه رقابت پذیری	۰/۰۹۱
۳	پیامدهای توسعه نیافتگی	۰/۰۸۵
۴	پیامدهای فروپاشی کسب و کار	۰/۲۲۶

یکی از شاخص‌های تأکید روابط در مدل ساختاری معنادار بودن ضرایب مسیر می‌باشد. معناداری ضرایب مسیر مکمل بزرگی و جهت علامت ضریب بتای مدل می‌باشد. چنانچه مقدار به دست آمده بالای حداقل آماره در سطح مورد اطمینان در نظر گرفته شده باشد (مقدار آماره تی در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱/۹۶ می‌باشد)، آن رابطه یا فرضیه تأیید می‌گردد. در شکل (۱) خروجی گرافیکی مدل مسیر در نرم‌افزار Smart-Pls نشان داده شده است که ضرایب بتای مسیر بین هریک از متغیرهای مکنون مدل ساختاری به نمایش گذاشته شده است.

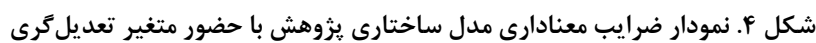
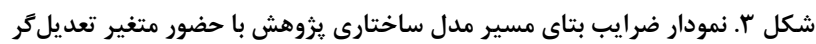


شکل ۱. نمودار ضرایب بتای مسیر مدل ساختاری پژوهش بدون متغیر تعدیل‌گر

همچنین در شکل (۲) اعداد معناداری مربوط به مدل ساختاری و مدل‌های اندازه‌گیری نشان داده شده است که کلیه مقادیر به دست آمده از مقدار آماره تی در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۱/۹۶) بیشتر می‌باشند که بیانگر آن است ضرایب بتای مسیر مربوطه معنادار می‌باشند و فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌گردند.



شکل ۲. نمودار ضرایب معناداری مدل ساختاری پژوهش بدون متغیر تعدیل‌گر



در ادامه با توجه به ضرایب بتای مسیر بین متغیرهای مکنون درون‌زا و برون‌زا موجود در مدل ساختاری پژوهش و مقادیر معناداری که در رابطه بین متغیرها حاصل گردیده است، به بررسی فرضیه‌های پژوهش در ادامه پرداخته شده است.

جدول ۳. ضرایب بتا و مقادیر معناداری مربوط به فرضیه‌های پژوهش

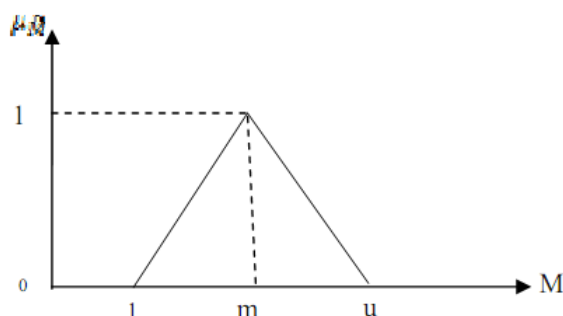
شماره فرضیه	فرضیه‌ها	ضریب بتا	مقدار معناداری	نتایج فرضیه‌ها
۱	شرایط تعاملی/هویتی <---> ضعف سرمایه فرهنگی (اثر مستقیم)	۰/۳۵۱	۴/۰۰۶	تأیید شد
۲	شرایط تعاملی/هویتی <---> فقدان روحیه رقابت پذیری (اثر مستقیم)	۰/۴۴۰	۵/۰۰۰	تأیید شد
۳	شرایط شکاف نسلی <---> ضعف سرمایه فرهنگی (اثر مستقیم)	۰/۰۳۹	۲/۰۱۱	تأیید شد
۴	شرایط شکاف نسلی <---> فقدان روحیه رقابت پذیری (اثر مستقیم)	۰/۱۸۸	۲/۷۱۶	تأیید شد
۵	ضعف سرمایه فرهنگی <---> راهبردهای عدم رشد و توسعه (اثر مستقیم)	۰/۰۱۳	۲/۱۱۷	تأیید شد
۶	فقدان روحیه رقابت پذیری <---> راهبردهای عدم رشد و توسعه (اثر مستقیم)	۰/۲۸۰	۳/۷۰۳	تأیید شد
۷	شرایط تعاملی/هویتی <---> راهبردهای عدم رشد (اثر مستقیم)	۰/۳۲۰	۴/۹۳۵	تأیید شد
۸	شرایط شکاف نسلی <---> راهبردهای عدم رشد (اثر مستقیم)	۰/۲۱۵	۴/۱۷۱	تأیید شد
۹	راهبردهای عدم رشد و توسعه <---> پیامدهای تداوم توسعه نیافتگی (اثر مستقیم)	۰/۱۶۰	۴/۱۲۷	تأیید شد
۱۰	راهبردهای عدم رشد و توسعه <---> پیامدهای فروپاشی کسب و کار (اثر مستقیم)	۰/۲۰۶	۳/۳۲۹	تأیید شد
۱۱	تداوم توسعه نیافتگی <---> پیامدهای فروپاشی کسب و کار (اثر مستقیم)	۰/۴۲۶	۶/۱۷۹	تأیید شد
۱۲	شرایط تعاملی/هویتی <---> بسترهای عدم توسعه اقتصادی <---> راهبردهای عدم رشد و توسعه (اثر غیرمستقیم)	۰/۰۲۱	۱/۸۳۶	رد شد
۱۳	شرایط شکاف نسلی <---> بسترهای عدم توسعه اقتصادی <---> راهبردهای عدم رشد و توسعه (اثر غیرمستقیم)	۰/۰۴۸	۲/۸۳۸	تأیید شد
۱۴	شرایط تعاملی/هویتی <---> راهبردهای عدم رشد و توسعه (اثر تعدیل‌گری عوامل زمینه‌ای)	-۰/۰۰۷	۰/۱۱۸	رد شد
۱۵	شرایط شکاف نسلی <---> راهبردهای عدم رشد و توسعه (اثر تعدیل‌گری عوامل زمینه‌ای)	۰/۰۸۷	۰/۸۶۹	رد شد

پس از مشخص شدن ضرایب هر متغیر، به اولویت بندی متغیرهای اصلی تحقیق خواهیم پرداخت. در این بخش از روش **FAHP** استفاده شده است. عدد فازی مثلثی که نوع بخصوصی از عدد فازی دوزنقه‌ای است که در کاربردهای فازی بسیار مشهور است. عدد فازی مثلثی **a** عددی است با تابع عضویت $\mu_a(X)$ روی **R** به صورت رابطه زیر تعریف می‌گردد:

$$(\mathbf{X})_{a\mu} = \begin{cases} \frac{X-L}{M-L} & L \ll X \ll M \\ 1 & X = M \\ \frac{X-L}{M-U} & M \ll X \ll U \end{cases}$$

در رابطه بالا $[L, U]$ بازه تکیه گاه و $D(M, 1)$ نقطه راس هستند.

یک عدد فازی مثلثی با سه عدد (M, L, U) و تابع عضویت $\mu_a(X)$ در شکل ۲-۳ نشان داده شده است.



شکل ۵. نمایش عددی فازی مثلثی به صورت سه مولفه ای

به طوری که A_L را پای چپ و A_u را پای راست اعداد فازی مثلثی می‌گویند. با توجه به اینکه کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان دارای ادراکات مختلفی نسبت به هر یک از شاخص‌ها و معیارهای کیفی هستند، قطعاً امتیازاتی که هر کدام می‌دهند متفاوت با دیگری است. روش‌ها یا به عبارتی بهتر، عملگرهای متعددی (میانگین، میانه، حداقل، حداکثر و عملگرهای ترکیبی) برای تجمیع ارزیابی‌های فازی تصمیم‌گیرندگان پیشنهاد شده است. از آنجایی که عملگر میانگین عمومی‌تر از سایر عملگرهاست، در مدل ارائه شده از این عملگر استفاده شده است. از این رو، برای دستیابی به یک ارزش کلی برای هر شاخص یا معیار اقدام به محاسبه میانگین نظرات فازی افراد گردیده است. با فرض اینکه E_{ij} یک عدد فازی مثلثی باشد، میانگین اعداد فازی مثلثی از فرمول زیر بدست می‌آید:

$$f(x) = \left(\frac{1}{m}\right)R(E_{ij1} + E_{ij2} + \dots + E_{ijm}) \quad (۱)$$

شکل سه تایی عد فازی مثلثی E_{ij} عبارت است از:

$$E_{ij} = (LE_{ij}, ME_{ij}, UE_{ij}) \quad (۲)$$

طبق عملیات جبری مجاز بر روی اعداد فازی، میانگین عدد فازی E_{ij} می‌تواند به صورت زیر محاسبه گردد:

$$LE_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^m LE_{ij}^k}{m} \quad (۳)$$

$$ME_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^m ME_{ij}^k}{m} \quad (۴)$$

به این ترتیب با یکپارچه سازی نظرات کارشناسان، یک عدد فازی به دست می‌آید که حاصل میانگین نظرات تصمیم‌گیرندگان است.

جدول ۴. ماتریس مقایسات زوجی گروهی گزینه‌ها بر اساس شاخص

ضعف فرهنگی	سرمایه	فقدان	روحیه	رقابت	راهبردهای عدم رشد و توسعه	پیامدهای نیافتگی	تداوم توسعه	پیامدهای کار	توسعه	پیامدهای فروپاشی کسب و وزن					
۱.۰۰	۱.۰۰	۲.۴۶	۲.۸۲	۳.۲۲	۱.۲۰	۱.۵۸	۲.۰۱	۲.۳۸	۲.۹۴	۳.۴۶	۲.۰۷	۲.۴۸	۲.۹۱	۰.۴۲	ضعف فرهنگی
۰.۳۱	۰.۳۵	۰.۴۱	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۲۱	۰.۲۶	۰.۳۵	۰.۴۵	۰.۵۷	۰.۷۸	۰.۸۴	۱.۰۰	۱.۱۹	۰.۲۲	سرمایه فرهنگی
۰.۵۰	۰.۶۳	۰.۸۳	۲.۸۳	۳.۸۹	۴.۸۵	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۶۸	۲.۲۳	۲.۹۱	۱.۲۸	۱.۵۰	۱.۷۳	فقدان روحیه رقابت پذیری
۰.۲۹	۰.۳۴	۰.۴۲	۱.۲۸	۱.۷۴	۲.۲۰	۰.۳۴	۰.۴۵	۰.۵۹	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۰.۵۹	۰.۷۶	۱.۰۰	راهبردهای عدم رشد و توسعه
۰.۳۴	۰.۴۰	۰.۴۸	۰.۸۴	۱.۱۹	۰.۵۸	۰.۶۷	۰.۷۸	۱.۰۰	۱.۳۲	۱.۶۸	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	پیامدهای تداوم توسعه نیافتگی
۰.۰۶	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	پیامدهای فروپاشی کسب و کار

وزن هریک از معیارها و گزینه‌ها با توجه به محاسبات انجام گرفته در جدول ۶ آورده شده است.

جدول ۵. رتبه بندی گزینه‌ها به روش FAHP

رتبه	وزن	
۲	۰/۲۲۴	ضعف سرمایه فرهنگی
۳	۰/۲۰۵	فقدان روحیه رقابت پذیری
۱	۰/۲۴۹	راهبردهای عدم رشد و توسعه
۴	۰/۲۰	پیامدهای تداوم توسعه نیافتگی
۵	۰/۱۲۲	پیامدهای فروپاشی کسب و کار

بحث و نتیجه‌گیری

۱۱

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که شرایط تعاملی/هویتی و شکاف نسلی اثرات مستقیم و معناداری بر ضعف سرمایه فرهنگی و فقدان روحیه رقابت‌پذیری در شرکت‌های کوچک و متوسط دارند. این یافته‌ها با تکیه بر رویکرد جامعه‌شناسی اقتصادی قابل تبیین است، چرا که سرمایه فرهنگی و روحیه رقابتی از اصلی‌ترین منابع نامشهودی به شمار می‌آیند که می‌توانند مسیر توسعه یا فروپاشی بنگاه‌ها را تعیین کنند (Nazari Sheikh Ahmad et al., 2021). بر اساس مدل مفهومی، ضعف در این حوزه‌ها سبب می‌شود بنگاه‌ها در تدوین و اجرای راهبردهای توسعه‌ای ناکام بمانند و به تدریج در چرخه توسعه‌نیافتگی و نهایتاً فروپاشی قرار گیرند (Darini et al., 2015).

همچنین نتایج نشان داد که راهبردهای عدم رشد و توسعه به شکل مستقیم و غیرمستقیم پیامدهای تداوم توسعه‌نیافتگی و فروپاشی کسب‌وکار را تشدید می‌کنند. این یافته همسو با دیدگاه‌های نظری است که بر نقش شرکت‌های کوچک و متوسط به عنوان موتور توسعه اقتصادی تأکید دارند، اما در عین حال یادآور می‌شوند که ضعف ساختاری در این بخش می‌تواند کل نظام اقتصادی را با بحران مواجه سازد (Maksimov et al., 2017). پژوهش‌های داخلی نیز بر این موضوع تأکید کرده‌اند که عدم سرمایه‌گذاری کافی، کمبود سیاست‌های حمایتی و ناکارآمدی مدیریتی، از عوامل اصلی رکود و شکست این بنگاه‌ها هستند (Rafiei, 2017 #273845; Moghadam & Keykha, 2015).

یافته‌ها نشان دادند که شرایط تعاملی/هویتی، از جمله سبک رهبری و هویت سازمانی، اثر قابل توجهی بر ضعف سرمایه فرهنگی و فقدان روحیه رقابت‌پذیری دارند. این نتایج با پژوهش‌هایی همخوانی دارد که بیان می‌کنند سبک‌های رهبری نامناسب و هویت‌محوری محدود می‌توانند به تضعیف انسجام سازمانی و کاهش نوآوری منجر شوند (Zellweger, 2019 #273862; Neubaum, 2018). همچنین، بر اساس مطالعات بین‌المللی، مدیریت خانوادگی و روابط فامیلی در برخی شرایط می‌تواند مانع رقابت‌پذیری شود و کارایی بنگاه را کاهش دهد (Bani Fatemeh et al., 2017). این شواهد نشان می‌دهد که برای پیشگیری از فروپاشی، نیاز به بازنگری در سبک‌های رهبری و تقویت فرهنگ رقابتی در بنگاه‌های خانوادگی وجود دارد.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان دادند که شکاف نسلی در قالب شراکت‌های غیرشفاف و سلسله‌مراتب صوری تأثیر مستقیمی بر ضعف سرمایه فرهنگی و روحیه رقابت‌پذیری دارد. این نتیجه همسو با دیدگاه‌هایی است که انتقال سرمایه‌های اجتماعی و عاطفی بین نسل‌ها را یکی از مهم‌ترین عوامل دوام بنگاه‌های خانوادگی می‌دانند (Kushins & Behounek, 2020). به عبارت دیگر، عدم مدیریت شکاف نسلی می‌تواند به تضاد ارزش‌ها و کاهش همکاری میان اعضای خانواده یا نسل‌های مختلف سازمان منجر شود. مطالعات در حوزه تطبیقی نیز نشان داده‌اند که در جوامع آسیایی، خانواده و نسل‌های متفاوت می‌توانند هم منبع انسجام باشند و هم عامل تعارض، بسته به اینکه چه میزان از سرمایه اجتماعی و فرهنگی میان نسل‌ها منتقل شود (Kawaguchi, 2019).

بررسی اثرات راهبردهای عدم رشد و توسعه بر پیامدهای فروپاشی کسب‌وکار نشان داد که این متغیرها اثرگذاری بالایی دارند. یافته‌ها با پژوهش‌هایی که بر نقش سیاست‌های توسعه‌ای در ارتقای بنگاه‌های کوچک و متوسط تأکید می‌کنند مطابقت دارد (Joghtaei & et al., 2016 #273842; Moghadam Asil, 2018). برای مثال، نتایج مطالعه‌ای جامعه‌شناختی در ایران نشان داد که ضعف در برنامه‌ریزی

توسعه و عدم انطباق آن با نیازهای واقعی جامعه، یکی از دلایل اصلی تداوم توسعه‌نیافتگی است (Tamizifar et al., 2020). این یافته‌ها نشان می‌دهند که بدون راهبردهای توسعه‌ای کارآمد، بنگاه‌ها به چرخه ناکامی و فروپاشی وارد می‌شوند.

یکی از نتایج جالب پژوهش این بود که عوامل زمینه‌ای (مانند پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری و نبود تفکر توسعه صنایع کوچک) نقش تعدیل‌گر معناداری در روابط میان شرایط تعاملی/هویتی و شکاف نسلی با راهبردهای عدم رشد و توسعه نداشتند. این نتیجه برخلاف برخی مطالعات پیشین است که بیان کرده‌اند شرایط زمینه‌ای می‌تواند به عنوان تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده روابط میان عوامل فرهنگی و اقتصادی عمل کنند (Moradpour et al., 2024). به نظر می‌رسد که در این مطالعه، تأثیر محدودیت‌های ساختاری آنچنان گسترده بوده که نقش تعدیل‌گر عوامل زمینه‌ای چندان برجسته نشده است.

از منظر نظری، یافته‌های پژوهش حاضر تأکید می‌کنند که مدل‌های مبتنی بر منابع و شبکه‌های اجتماعی همچنان بهترین چارچوب‌ها برای تحلیل پویایی‌های کسب‌وکارهای خانوادگی و کوچک هستند. نتایج نشان دادند که ضعف در منابع نامشهود همچون سرمایه فرهنگی و اجتماعی، و نیز شکاف نسلی، می‌تواند به شکست استراتژی‌های توسعه‌ای منجر شود. این یافته‌ها با مطالعاتی هم‌راستا است که نشان می‌دهند انسجام درونی و سرمایه اجتماعی می‌تواند از یک سو منبع مزیت رقابتی باشد و از سوی دیگر در صورت ضعف، عامل فروپاشی شود (Zellweger et al., 2019; Côté, 2025 #218788).

در سطح بین‌المللی، یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقاتی که بر نقش حمایت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی در موفقیت کارآفرینان تأکید دارند، همسو است. به عنوان مثال، پژوهشی نشان داد که حمایت اجتماعی می‌تواند اثرات منفی شکست کارآفرینی را تعدیل کند و زمینه بازگشت کارآفرینان به چرخه فعالیت اقتصادی را فراهم سازد (Al-Alawi et al., 2023). همچنین، مطالعه‌ای دیگر نشان داد که شکست استارت‌آپ‌ها بیش از آنکه صرفاً ناشی از عوامل مالی باشد، ریشه در ضعف تعاملات اجتماعی و فقدان منابع حمایتی دارد (Wimal & Ajendra, 2023).

همچنین یافته‌های این پژوهش با مباحث جدید درباره اکوسیستم‌های دیجیتال همخوانی دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که اکوسیستم‌های دیجیتال، به‌ویژه برای زنان کارآفرین، بستر جدیدی برای غلبه بر محدودیت‌های سنتی فراهم می‌کنند (Huang et al., 2025). در این راستا، می‌توان گفت که تقویت بسترهای دیجیتال در ایران نیز می‌تواند به کاهش اثرات منفی ناشی از توسعه‌نیافتگی ساختاری کمک کند. از منظر کارکردی، این نتایج با مطالعاتی همخوان است که تأکید دارند توسعه صنایع کوچک و متوسط، اگر بدون سیاست‌های حمایتی و بازنگری در ساختارهای فرهنگی و نسلی باشد، نمی‌تواند به نتایج مطلوب منجر شود (Bani Fatemeh, Moghadam & Keykha, 2015; #273836, 2017). در مقابل، کشورهایی که توانسته‌اند با تمرکز بر منابع اجتماعی و فرهنگی، انسجام و رقابت‌پذیری را تقویت کنند، مسیر موفق‌تری در توسعه طی کرده‌اند (Côté & Evans, 2025).

پژوهش حاضر دارای چند محدودیت است. نخست، جامعه آماری تنها شامل مدیران و کارشناسان شرکت‌های کوچک و متوسط در شهر اراک بود که تعمیم‌پذیری نتایج به دیگر مناطق یا صنایع را محدود می‌کند. دوم، استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته هرچند با اعتبارسنجی مناسب همراه بود، اما نمی‌تواند به طور کامل ابعاد کیفی پدیده‌های فرهنگی و نسلی را پوشش دهد. سوم، تحلیل داده‌ها در یک مقطع زمانی انجام شد و امکان بررسی تغییرات در طول زمان و پویایی‌های بین‌نسلی به‌طور کامل فراهم نشد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، جامعه آماری گسترده‌تر و شامل صنایع مختلف مورد بررسی قرار گیرد تا تعمیم‌پذیری نتایج افزایش یابد. همچنین، رویکردهای کیفی مانند مصاحبه‌های عمیق می‌تواند ابعاد پنهان و پیچیده‌تری از تعاملات نسلی و هویتی را آشکار کند. تحقیقات آینده می‌توانند نقش فناوری‌های نوین و اکوسیستم‌های دیجیتال را در کاهش اثرات منفی توسعه‌نیافتگی و فروپاشی کسب‌وکارها به‌طور تجربی مورد بررسی قرار دهند.

برای بهبود وضعیت شرکت‌های کوچک و متوسط، لازم است سیاست‌گذاران به سرمایه‌گذاری در حوزه آموزش کارآفرینی، تقویت فرهنگ رقابتی و کاهش شکاف نسلی توجه ویژه داشته باشند. همچنین، ایجاد شبکه‌های حمایتی و نهادهای مشاوره‌ای می‌تواند به بنگاه‌ها در مدیریت چالش‌های فرهنگی و ساختاری کمک کند. در سطح سازمانی نیز تقویت سبک‌های رهبری مشارکتی و ایجاد هویت سازمانی انعطاف‌پذیر می‌تواند مسیر پایداری و توسعه را برای بنگاه‌ها هموار سازد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

The study of entrepreneurial dynamics, particularly in the context of small and medium-sized enterprises (SMEs), has gained substantial attention due to their critical role in job creation, innovation, and regional development. Scholars have emphasized that SMEs are often more vulnerable to contextual challenges such as cultural constraints, generational conflicts, and institutional inefficiencies, which can increase the risk of business collapse and perpetuate economic underdevelopment (Maksimov et al., 2017). In developing economies, where structural weaknesses remain prevalent, SMEs face the dual burden of limited access to financial resources and insufficient strategic support from institutional frameworks (Darini et al., 2015).

The sociological dimensions of entrepreneurship provide a lens through which these vulnerabilities can be better understood. For instance, cultural capital and social networks are repeatedly highlighted as intangible resources that determine business resilience (Nazari Sheikh Ahmad et al., 2021). When such resources are weak or poorly transferred between generations, SMEs are likely to suffer from reduced competitiveness, inefficiencies, and heightened risks of collapse (Kushins & Behounek, 2020). This aligns with evidence showing that family businesses, while deeply embedded in social relationships, often encounter unique

obstacles such as nepotism, intergenerational conflicts, and identity-driven management practices (Bani Fatemeh et al., 2017; Zellweger et al., 2019).

Global research also highlights the role of broader contextual factors. For example, failure in start-ups has been shown to stem not only from financial deficiencies but also from poor relational and interactional conditions (Wimal & Ajendra, 2023). Moreover, social support has emerged as a critical moderator in mitigating entrepreneurial failure, suggesting that cultural and institutional contexts strongly shape business outcomes (Al-Alawi et al., 2023). Parallel studies reinforce that technological ecosystems and digital entrepreneurship open new pathways for overcoming structural barriers, particularly for underrepresented groups such as women (Huang et al., 2025).

The persistence of underdevelopment in SMEs is further linked to macro-level sociological and institutional shortcomings. Research demonstrates that weak development policies, lack of integration between cultural and economic strategies, and poor alignment of national development programs with local realities exacerbate structural inequality (Tamizifar et al., 2020). In the Iranian context, scholars argue that despite decades of development planning, institutional inefficiencies and low levels of trust in economic institutions have hindered sustainable growth (Moghadam Asil & Rahimi, 2018; Rafiei & Shiri, 2017). This aligns with the view that development must be seen as a holistic process encompassing social, cultural, and institutional reforms alongside economic growth (Joghtaei & et al., 2016).

International perspectives provide comparative insights into how SMEs interact with broader economic and cultural systems. For instance, studies in China have shown that Confucian values and traditional philosophies can serve as stabilizing forces during transitional economic periods, allowing family businesses to maintain continuity and adapt to shifting market realities (Kawaguchi, 2019). Similarly, research on indigenous entrepreneurship underscores the role of cultural networks in enabling social mobility and sustaining entrepreneurial activities (Côté & Evans, 2025). Such insights reinforce the argument that SMEs cannot be fully understood without considering their embeddedness in social, cultural, and institutional frameworks (Neubaum, 2018).

The significance of entrepreneurial ecosystems in reducing poverty in developing nations also deserves emphasis. SMEs, by providing localized employment and fostering innovation, have been identified as pivotal agents of poverty reduction and social inclusion (Maksimov et al., 2017). However, when factors such as intergenerational conflicts, weak competitiveness, and cultural misalignments prevail, the very potential of SMEs to contribute to economic development becomes undermined. This contradiction has been noted in sociological analyses of Iranian enterprises, where family-centered management structures often perpetuate inefficiencies rather than enabling sustainable growth (Moradpour et al., 2024).

The rise of social entrepreneurship in transitional economies further highlights the importance of aligning business objectives with societal needs. Strategic approaches to social entrepreneurship, such as those observed in Ukraine, reveal that businesses can simultaneously pursue profit and social impact, thereby addressing systemic gaps left by state institutions (Браунагель, 2025). Likewise, research on tourism development in Brazil has underscored how economic sociology frameworks explain the integration of local culture, social structures, and business strategies in fostering sustainable development (Gustavo, 2022).

Taken together, the literature suggests that SME success or failure is the outcome of a complex interplay between interactional/identity conditions, generational gaps, and contextual development factors. This study contributes to this body of knowledge by investigating how underlying factors of underdevelopment moderate the relationships between these interactional and generational conditions and the consequences of business collapse, with a focus on SMEs in Iran. By embedding the analysis within the broader sociological and developmental frameworks discussed above, the study aims to illuminate the social mechanisms underlying business resilience or collapse in contexts of economic underdevelopment.

Methods and Materials

The study adopted an applied research design with a descriptive-survey approach. Data were collected through a researcher-developed questionnaire distributed among 144 managers and experts of SMEs in Arak, Iran, selected through Cochran's formula from a population of 240. Validity was ensured through content validation (Lawshe method) and reliability confirmed by Cronbach's alpha. Structural equation modeling (SEM) was conducted using Smart PLS software. The cross-sectional design enabled an examination of the relationships between identity/interactional conditions, generational gaps, contextual underdevelopment factors, and business collapse outcomes.

Findings

The findings revealed that interactional/identity conditions significantly influenced both cultural capital weakness and lack of competitiveness. Similarly, generational gap conditions, characterized by unclear partnerships and formal hierarchies, had direct positive effects on cultural capital weakness and lack of competitiveness. Both cultural weaknesses and reduced competitiveness were found to contribute significantly to strategies of underdevelopment, which in turn heightened the persistence of underdevelopment and ultimately led to business collapse.

Of the 15 hypotheses tested, 12 were supported. Results indicated that strategies of underdevelopment strongly predicted the consequences of continued underdevelopment as well as business collapse. Moreover, persistence of underdevelopment was directly associated with higher risks of collapse in SMEs. However, the moderating role of contextual underdevelopment factors—such as lack of investment and absence of development-oriented thinking—was not significant in some relationships, particularly those linking interactional/identity conditions with underdevelopment strategies.

Overall, approximately 25% of the variance in business collapse consequences was explained by the model, highlighting the substantial role of cultural, generational, and developmental factors in shaping SME sustainability.

Discussion and Conclusion

The results provide important insights into the dynamics of SME collapse in contexts of underdevelopment. The finding that interactional/identity conditions and generational gaps significantly affect cultural capital and competitiveness aligns with sociological theories emphasizing the centrality of intangible resources for organizational survival (Kushins & Behounek, 2020; Zellweger et al., 2019). Weak leadership styles and identity-driven practices undermine cultural cohesion and reduce firms' capacity to compete effectively, echoing earlier findings on the challenges of family enterprises in Iran (Bani Fatemeh et al., 2017).

The significant role of underdevelopment strategies in predicting collapse resonates with prior research on the structural limitations of SMEs in developing contexts. For example, studies have demonstrated that weak development planning, insufficient investment, and inadequate institutional alignment reinforce cycles of inequality and economic stagnation (Rafiei & Shiri, 2017; Tamizifar et al., 2020). The current findings extend this literature by empirically showing how these deficiencies feed directly into business collapse risks in SMEs. Interestingly, the absence of strong moderating effects from contextual underdevelopment factors suggests that structural weaknesses are so pervasive that they operate as baseline constraints, leaving little room for moderation. This differs from research highlighting the potential of contextual factors to either buffer or exacerbate firm-level challenges (Moradpour et al., 2024). A possible explanation lies in the pervasive nature of institutional inefficiencies in the Iranian context, which may overshadow the subtler moderating mechanisms observed elsewhere.

Comparative perspectives further enrich the discussion. The parallels with findings from Sri Lanka, where start-up failures were linked to relational and interactional deficiencies (Wimal & Ajendra, 2023), as well as evidence from global contexts where social support mitigated entrepreneurial failure (Al-Alawi et al., 2023),

highlight the universality of interactional and cultural challenges in entrepreneurship. Similarly, the role of digital ecosystems in empowering marginalized groups (Huang et al., 2025) points to potential pathways for mitigating the adverse effects of structural underdevelopment in Iran.

The study also resonates with broader debates in family business research. While some scholars argue that family involvement fosters resilience (Neubaum, 2018), others emphasize its risks in perpetuating inefficiencies and conflicts (Kawaguchi, 2019; Zellweger et al., 2019). The current findings suggest that without deliberate efforts to manage generational gaps and identity-driven practices, family involvement may indeed exacerbate collapse risks.

At a broader level, the study underscores the importance of integrating sociological perspectives into development and entrepreneurship research. Insights from economic sociology, such as those applied to tourism development in Brazil (Gustavo, 2022) or indigenous entrepreneurship in Canada (Côté & Evans, 2025), illustrate how social structures and cultural dynamics shape economic outcomes. The evidence from this study reinforces the view that business collapse in SMEs cannot be explained solely by financial or strategic factors but must be understood as a product of complex social and cultural dynamics.

In conclusion, the research highlights the central role of interactional, generational, and developmental factors in shaping the survival or collapse of SMEs. By situating these findings within a sociological and developmental framework, the study contributes to both theory and practice, emphasizing that policies and interventions must move beyond financial considerations to address cultural capital, generational cohesion, and institutional development in order to foster sustainable SME growth.

References

- Adeosun, A. T., & Aruleba, T. J. (2025). Advancement of Entrepreneurship Education Through Emotional Intelligence and Social Intelligence. *International Journal of Small Business and Entrepreneurship Research*, 13(1), 51-72. <https://doi.org/10.37745/ijbsber.2013/vol13n15172>
- Al-Alawi, A. N., Amjed, S., Elbaz, A. M., & Alkathiri, N. A. (2023). The Anatomy of Entrepreneurial Failure: Antecedents of the Performance Failure Appraisal Inventory and the Role of Social Support. *Sustainability*, 15(9), 7505. <https://doi.org/10.3390/su15097505>
- Bani Fatemeh, H., Mohammadi Talvar, S., & Nozari, H. (2017). A Sociological Study of the Challenges of Growth and Development of Family Economic Enterprises in Iran (Case Study: Small and Medium Enterprises in Tehran). *Economic Sociology and Development*, 6(1), 1-34. https://sociology.tabrizu.ac.ir/article_6632_960.html?lang=en
- Côté, R., & Evans, M. (2025). Unpacking Indigenous Social Mobility: Entrepreneurs, Social Networks, and Connections to Culture. *Business & Society*, 64(1), 45-86. <https://doi.org/10.1177/00076503231219691>
- Darini, M. V., Aghajani, A. A., Taban, M., & Mohammadi Saleh, M. (2015). Modeling Internal Factors Affecting the Performance of Small and Medium Enterprises. *Scientific-Research Quarterly of Industrial Management Studies*, 13(36), 61-94. https://jims.atu.ac.ir/article_1121.html
- Gustavo, M. S. (2022). Economic sociology of tourism development in the inner of Minas Gerais State (Brazil). *Современные проблемы сервиса и туризма*, 16(2), 109-118. <https://cyberleninka.ru/article/n/economic-sociology-of-tourism-development-in-the-inner-of-minas-gerais-state-brazil>
- Huang, Y., Zhang, J., Xu, Y., Yuan, Y., Zhang, M., & Huang, L. (2025). Digital entrepreneurial ecosystem and female entrepreneurial activity. *Humanities and Social Sciences Communications*, 12(1), 1-13. <https://doi.org/10.1057/s41599-024-04345-y>
- Joghtaei, F., & et al. (2016). Dimensions and Components of Social Development in Development Programs. *Scientific-Research Quarterly of Social Welfare*, 16(55), 63-88. https://refahj.uswr.ac.ir/browse.php?a_id=2726&sid=1&slc_lang=fa
- Kawaguchi, M. (2019). A sociological approach to management philosophy of Chinese family businesses in a transition period: The case of Ningbo Fotile Group. In *Cultural Translation of Management Philosophy in Asian Companies* (pp. 105-120). Springer. https://doi.org/10.1007/978-981-15-0241-5_7
- Kushins, E. R., & Behounek, E. (2020). Using sociological theory to problematize family business research. *Journal of Family Business Strategy*, 11(1), 100337. <https://doi.org/10.1016/j.jfbs.2020.100337>

- Maksimov, V., Wang, S. L., & Luo, Y. (2017). Reducing poverty in the least developed countries: The role of small and medium enterprises. *Journal of World Business*, 52(2), 244-257. <https://doi.org/10.1016/j.jwb.2016.12.007>
- Moghadam Asil, M., & Rahimi, M. (2018). A Study of Social Factors Influencing Economic Growth and Development (A Comparison of Iran with Three Asian Countries). *Social and Cultural Changes*, 15(2), 1-17. https://journals.iau.ir/article_663549.html
- Moghadam, H., & Keykha, H. R. (2015, May 20, 2015). The Role of Small and Medium Industries in Economic Development. Proceedings of the International Conference on Management, Culture, and Economic Development, Mashhad. <https://civilica.com/doc/427268/>
- Moradpour, Z., Madhooshi, M., Safaie, A. H., & Yahyazadeh Far, M. (2024). Structural Interpretive Modeling of the Thought Pattern of Successful Entrepreneurs in Iran's Industry. *Dynamic Management and Business Analysis*, 2(4), 212-224. <https://doi.org/10.22034/dmbaj.2024.2035663.2414>
- Nazari Sheikh Ahmad, A., Fathi, S., & Azkia, M. (2021). A Sociological Analysis of the Impact of Cultural Business Components on the Productive-Commercial Performance of Industrial Units (Ardabil Province). https://sociology.tabrizu.ac.ir/article_12618.html?lang=fa
- Neubaum, D. O. (2018). Family business research: Roads travelled and the search for unworn paths. *Family Business Review*, 31(3), 259-270. <https://doi.org/10.1177/0894486518792948>
- Oriarewo, O. G., Agbim, C. K., & Owoicho, M. (2023). Entrepreneurial Success, Knowledge Workers Plateauing and Turnover: The Impact of Relatedness. *International Journal of Scientific and Research Publications*, 3(6), 1-7. https://www.researchgate.net/publication/358166995_Entrepreneurial_Success_Knowledge_Workers_Plateauing_and_Turnover_The_Impact_of_Relatedness
- Rafiei, F., & Shiri, T. (2017). A Sociological Analysis of Socioeconomic Development Indicators in the Post-Sanctions Period. *Iranian Journal of Social Development Studies*, 9(2), 23-39. <https://www.sid.ir/paper/231952/fa>
- Tamizifar, R., Azkia, M., & Vosoughi, M. (2020). A Sociological Analysis of Development and Inequality in Iran. *Sociological Studies (formerly Social Science Letter)*, 27(1), 315-388. https://journals.ut.ac.ir/article_78519.html
- Wimal, K., & Ajendra, S. (2023). A phenomenological exploration of technology start-up failure in Sri Lanka. *Journal of Entrepreneurship, Management and Innovation*, 19, 47-86. <https://doi.org/10.7341/20231932>
- Yimfor, E., & Garfinkel, J. A. (2023). Predicting success in entrepreneurial finance research. *Journal of Corporate Finance*, 81. <https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2023.102359>
- Zellweger, T. M., Chrisman, J. J., Chua, J. H., & Steier, L. P. (2019). Social structures, social relationships, and family firms. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 43(2), 207-223. <https://doi.org/10.1177/1042258718792290>
- Браунагель, А. (2025). Strategic Directions of the Development of Social Entrepreneurship in Ukraine. *Ukrainian Journal of Applied Economics*, 2025(1), 170-175. <https://doi.org/10.36887/2415-8453-2025-1-28>